

Quranic examples of citizenship rights in economic affairs with jurisprudence

Seyyed Mehdi Sadati

PhD. Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
smahdi.sadati@yahoo.com

Ahmad Moradkhani

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

Seyyed Mehdi Mirdadashi

Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. mirdadashim@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is to analyze and examine the Qur'anic examples of citizenship rights in economic affairs. The research method is descriptive-analytical and the results indicate that the models and examples provided by the Holy Quran in relation to economic issues and mentioned in this research can save the society from economic crises and guide it towards perfection. These teachings, like other Quranic teachings, cover all aspects of human life. The stability and survival of society depends on the existence of a dynamic and growing economy. Because Almighty God has made economic activities the source of community cohesion. This is important, it will have a great impact in other sectors as well. Through these examples, goals such as economic independence, preserving the sovereignty and political authority of Islam, providing public welfare and fighting against poverty, reducing social damage, growing comprehensive economic development and economic justice can be achieved.

Keywords: Quran, Examples, Law, Citizenship, Economy, Justice, Security.



مصادیق قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی با گرایش فقهی

سید مهدی ساداتی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. smahdi.sadati@yahoo.com

احمد مرادخانی

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

سید مهدی میرداداشی

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mirdadashim@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مصادیق قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی بود. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که الگوها و مصادیقی که قرآن کریم در رابطه با مسایل اقتصادی ارائه می‌دهد، می‌تواند جامعه را از بحران‌های اقتصادی برهاند و به سمت کمال رهنمون سازد. این آموزه‌ها، همچون سایر آموزه‌های قرآنی تمامی ابعاد زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. پایداری و بقای جامعه، منوط به وجود اقتصاد پویا و رو به رشد است؛ زیرا خداوند متعال فعالیت‌های اقتصادی را مایه قوام اجتماع قرار داده است. این مهم، در بخش‌های دیگر نیز تاثیر شگرفی خواهد داشت. بوسیله این مصادیق می‌توان به اهدافی همچون استقلال اقتصادی، حفظ حاکمیت و اقتدار سیاسی اسلام، تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر، کاهش آسیب‌های اجتماعی، رشد و توسعه جامع اقتصادی و عدالت اقتصادی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حقوق شهروندی، اقتصاد، عدالت، امنیت.

^۲ پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری، با عنوان: اصول و مصادیق قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: مقاله پژوهشی



مقدمه

آنچه که آحاد بشر به آن نیازمند است، امنیت، آرامش روحی، روانی و جسمی در این دنیا و آسایش روح و نفس در جهان آخرت است؛ که در سایه‌سار آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است. خداوند متعال، که با فطرت بشر آشنایی دارد، تمامی نیازهای او را در دنیا مهیا نموده است، تا با راهنمایی و ارشاد انبیاء و اولیای الهی، او را به کمال مطلوب برساند. از آنجایی که قرآن کریم «تبیانا لكل شیء» است؛ مصادیق و آموزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی را به نحو اکمل و اتم، و هماهنگ با خواسته‌های بشر، در خود متبلور نموده است.

ابعاد مفهومی و عینی و تأکید بر پاسداشت حقوق شهروندی، پیش از این با توجهی خاص و بی‌بدیل در آموزه‌های اسلامی، وجه توجه شارع مقدس قرار گرفته است. با نگاهی به قرآن و منابع اسلامی، می‌توان ابعاد حقوق شهروندی در بُعد نظری و عملی، بدون توجه به ممیزاتی همچون تیره و تبار، رنگ و نژاد و حتی مذهب را، به وضوح مشاهده کرد. حقوق شهروندی عطیه‌ای الهی است که جزء لاینفک حقوق ذاتی انسان‌ها قرار می‌گیرد و از صفات برجسته انسانی محسوب می‌گردد؛ تا حدی که حق مسلم بشریت است و هر انسانی در هر مکانی که زندگی می‌نماید؛ از هر رنگ و نژاد و جنسی که باشد و در هر مذهب و گرایشی، استحقاق برخوردار از آن را داراست. حقوق شهروندی منبعث از آموزه‌ها و تعالیم دینی و الهی است. ما در این پژوهش، با بهره‌برداری از تفاسیر و کتب فقهی و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد، این مصادیق را مورد تبیین و تشریح و امعان نظر قرار داده‌ایم.

در این راستا، سوال اصلی پژوهش به این شرح است: جهت تأمین حقوق شهروندی در امور اقتصادی چه مصادیقی در قرآن قابل طرح است؟ و آیا این مصادیق می‌تواند پاسخگوی حقوق شهروندی باشد؟

اهداف پژوهش نیز بدین شرح است:

۱. به دست آوردن مصادیق حقوق شهروندی در امور اقتصادی از منظر قرآن کریم و تبیین و تشریح آن؛

۲. به دست آوردن نتیجه کلی بر اینکه مصادیق می‌تواند، حقوق اقشار مردم در سراسر جهان هستی را تأمین نماید.

نوآوری پژوهش

اغلب منابع اعم از کتب، مقالات و پژوهش‌ها در این زمینه، تنها به یک بُعد از ابعاد این مسئله توجه نموده‌اند؛ در حالی که این پژوهش، مصادیق قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی را از زوایای جدید و ارتباط وثیقی که بین آنها برقرار است را بررسی نموده و در این راه با تکیه بر منابع متعدد و فراوان تفسیری و روایی فریقین و کتب فقهی، بدون محدودیت خاص فرقه‌ای و مذهبی و همچنین منابع اقتصادی متعارف، اقدام به عرضه تحقیقی که در نوع خود بدیع و نو است، می‌باشد.

منابع حقوق شهروندی

قرآن کریم، روایات و منابع اسلامی، به عنوان یکی از منابع مهم حقوقی در دین مبین اسلام به شمار می‌آیند؛ در صورتی که در دیگر نظام‌ها، قوانین حقوقی را از صاحب‌نظران در امر حقوق و دیدگاه‌های شخصی و انسانی دریافت می‌نمایند. حقوقی که بر مبنای

آموزه‌های دینی و قرآنی مطرح می‌گردد، به واسطه وصل به سرچشمه وحی، می‌تواند جامعه بشریت را در تمامی زمان‌ها - به واسطه جهان‌شمول بودن - به مرتبه کمال برساند. در نظام اقتصادی اسلام، آموزه‌های اقتصادی فراوانی وجود دارد که این مجموعه از آموزه‌ها در قرآن کریم، در قالب مصادیق در سوره‌های مختلف متبلور است.

مصادیق ایمان

به طور حتم ایمان، نگرش بشر را به خویش، پروردگار و جهان هستی تغییر می‌دهد. از این جهت، در یک جامعه مؤمن، نگرش به اقتصاد نیز کاملاً متمایز خواهد بود. حقایق اقتصادی در دین مبین اسلام، بر سه اصل معرفتی بنا شده است که سه اصل آن را خالق هستی، بشر و جهان آفرینش تشکیل می‌دهد. رابطه این سه اصل و مبانی انسان‌شناختی اسلام، نگرش حکومت اسلامی به اقتصاد و موضوعات مرتبط به آن را تعیین می‌نماید و اقتصاد حکومت اسلامی را از سایر حکومت‌های غیردینی، متمایز می‌سازد.

در تفسیر «مجمع البیان» آمده، که اگر انسان‌ها به آنچه که در کتب الهی و قرآن است، بدون اینکه تحریفی در آن به وجود آورند عمل نمایند و آنچه از امور دین در آن است، نصب العین خود قرار دهند؛ باران فراوان بر آنان نازل می‌گردد و زمین، خیر و برکاتش را به آنان عطا می‌نماید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۷۹). علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد به اقامه این کتب، عمل نمودن به آنچه از دستورات خداوند است که در این کتاب‌ها تشریح گردیده و اعتقاد به آنچه خداوند متعال از معارف مبدأ و معاد در آنها بیان نموده است، بدون اینکه تحریفی صورت پذیرفته باشد، در این صورت به نعمت‌های آسمانی و زمینی متنعم می‌شدند. نظیر آنچه در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، ۹۶)؛ بیان فرمود (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۸).

در قرآن کریم، مصادیقی همچون ایمان به خدا، ایمان به جمیع پیامبران و کتب الهی، به آخرت، به غیب، و ایمان به ملائکه بیان شده است و تا زمانی که آحاد بشر، به این مصادیق ایمان واقعی داشته باشند، حقوق شهروندی در امور اقتصادی تحقق می‌یابد و شاهد نظام اقتصادی پویا و سالم هستیم؛ به طوری که هر شخصی به صورت عادلانه به حقوق اقتصادی خود دست می‌یابد، زیرا این اعتقاد، همچون اهرم و کنترل‌کننده قوی در تمام مراحل پیشروی انسان در ابعاد اقتصادی عمل خواهد کرد. البته، این مصادیق تنها در نظام اقتصادی اسلامی یافت می‌شود و نظام‌های متعارف جهان، همچون نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم از آن بی‌بهره هستند.

مصادیق تقوا

نقش مصادیق تقوا در نظام اقتصادی اسلام و تأمین حقوق شهروندی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با رعایت این اصل و مصادیق آن، جامعه اسلامی، شاهد و ناظر اقتصادی پویا و پایدار در تمامی سطوح آن، خواهد بود. قرآن کریم در بیان مصادیق تقوا، به برخی از این مصادیق تصریح نموده است؛ که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: حفظ شح نفس، پرهیز از ربا، حفظ از وسوسه شیطان.

الف. حفظ شح نفس

یکی از مصادیق قرآنی حقوق شهروندی در امر اقتصاد، که رعایت آن توسط انسان‌های ثروتمند، منجر به رسیدن شهروند به حقوق حقه خود می‌گردد؛ نگهداری نفس از بخل و حرص، در پرداخت انفاق و واجبات مالی است، که در آیه شریفه سوره «حشر و تغابن» با عنوان (شح نفس) مطرح گردیده است: «... وَ مَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است، و کسانی که از بخل و حرص خویشان مصون بمانند رستگارانند» (تغابن، ۱۶).

راغب در معنای کلمه شح می‌گوید: کلمه (شح) به معنای بخل توأم با حرص است، در صورتی که عادت شده باشد: «الشُّحُّ: بخل مع حرص، و ذلك فيما كان عادة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶). شح نفس، یک صفت رذیله‌ای است که خداوند متعال صراحتاً انسان را از متصف شدن به آن، منع می‌نماید و دوری از آن را مایه فلاح و رستگاری می‌داند. افراد دارای این خصلت خبیثه، با عمل خودشان موجب می‌گردند که به نظام اقتصادی جامعه لطمه وارد گردد؛ انفاق در جامعه کم‌رنگ و به تبع آن، افراد نیازمند در جامعه به حقوق حقه خود نرسند و موجبات افزایش فقر و بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه فراهم گردد.

ب. پرهیز از ربا

ربا، یکی از عواملی است که انسان را به سمت و سوی سودجویی و فراموشی کمک‌های انسان دوستانه گرایش می‌دهد و موجب شکاف و فاصله طبقاتی در زندگی جامعه اسلامی می‌گردد. در صورتی که ثروت و نقدینگی موجود در جامعه به سمت رشد تولید و فعالیت مولد حرکت ننماید، شاهد عدم رونق اقتصادی در کشور هستیم و کشور به سوی وابستگی پیش خواهد رفت. ربا با ایجاد انحراف، به صورت راه درآمدزایی بدون کوشش فعالیت اقتصادی، جامعه را از سامان‌بایی اساسی، پایدار، پویا و رسیدن به سعادت حقیقی باز می‌دارد؛ و مسائلی چون شریک دانستن محرومان در اموال و دارایی ثروتمندان، امر قرض‌الحسنه، و پاداش‌های فراوان دنیوی و اخروی آن، و نیز تحقق ارزش‌های والای انسانی، انفاق‌های مالی، حق معلوم، تکافل اجتماعی و تکلیف همگانی در برابر نیازهای عمومی جامعه مانند سرمایه‌گذاری در رونق تولید را، مبدل به جنبه آرمانی می‌نماید.

• فلسفه تحریم ربا

ربا، نوعی اکل مال به باطل و درآمدی بدون دلیل عقلی، منطقی، بی‌جهت و در ردیف ثروت‌های بادآورده است: «وَ أَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ». ربا بازدارنده مردم از تلاش‌های اقتصادی سازنده است. خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از آن متنفر شوند و به سوی کارهای حلال و تلاش‌های اقتصادی مفید بروند و وام فقط به صورت قرض‌الحسنه باقی بماند. ربا مصداق بارز ظلم است. ربا باعث تضعیف عواطف انسانی است و ایجاد اختلاف طبقاتی، از جمله حکمت‌های تحریم ربا دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۳۲، ۳۴، ۳۶).

حرّ عاملی معتقد است که در احادیث اهل بیت (ع)، فلسفه تحریم ربا، فساد و از بین رفتن اموال، تقلیل و کاهش فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی بیان شده است و خداوند به این دلیل ربا را حرام کرد که این کار موجب فساد اموال می‌شود و در رابطه با علت حرمت ربا نسیه می‌فرماید: ربا به نابودی مال منتهی می‌شود و فعالیت‌های سودجویانه را گسترش می‌دهد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۲۵). رباخوار بدون انجام فعالیت اقتصادی درآمدش افزایش پیدا می‌کند و موجب تمرکز ثروت و کاهش تولید می‌گردد و روز به روز وضع اقتصادی بدهکاران بدتر می‌شود و همان اندازه که قرض‌الحسنه روابط عاطفی را در جامعه ارتقاء می‌دهد و زمینه را برای همکاری‌های متقابل فراهم می‌نماید، رباخواری به دشمنی، کینه و حس انتقام‌جویی دامن می‌زند و اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۴۲).

بنابراین، ربا یکی از مصادیق اکل مال به باطل است، که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به فرد و جامعه وارد می‌نماید. فزونی مال توسط رباخوار و موجب گردیدن فعالیت وی به فقر و اختلاف و فاصله طبقاتی در جامعه، موجب تضییع حقوق شهروندی خواهد شد. در نظام اقتصادی اسلام، تحریم ربا یکی از مصادیق تقوا در رعایت حقوق شهروندی است، که عمل به این مصداق قرآنی موجب رونق تولید، کاهش نرخ بیکاری، عمل به امورات نیک همچون قرض‌الحسنه و آرامش روانی جامعه و کاهش فاصله طبقاتی خواهد شد.

• حفظ از وسوسه شیطان

یکی از مصادیق قرآنی حقوق شهروندی که نقش مهمی در نظام اقتصادی جامعه دارد، محفوظ بودن انسان اقتصادی، از شر وسوسه‌های شیطانی در امر معاملات و اوامر و ابسطه آن است. خداوند متعال در آیه شریفه ذیل، روش برخورد با این وسوسه را به انسان متذکر شده است و راه برون رفت از این مسئله را، یادآوری پروردگار و بهره‌مندی از پرتو نورانی ذکر او می‌داند و می‌فرماید: «پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند» (اعراف، ۲۰۱).

مصادیق تأمین اجتماعی

در نظام اقتصادی اسلام، اهتمام ویژه‌ای به تأمین اجتماعی افراد جامعه گردیده است و مصادیق متعددی را برای اقشار مختلف که در معرض آسیب و فقر قرار دارند، تشریح نموده است که در صورت عمل به این دستورات، توسط افراد مؤمن و مدیران حکومتی، شاهد جامعه‌ای برتر و ایده‌آل خواهیم بود. در همین راستا، قرآن کریم به صورت دقیق و حساب شده، مصادیقی همچون زکات، خمس، ارث، دیات، مهریه، جزیه، فیء، انفال، خراج، صدقه، قرض‌الحسنه، کفاره و... را، به عنوان منابع مالی حکومت اسلامی در آیات متعدد بیان می‌فرماید؛ که در ادامه، به بررسی تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

الف. زکات

زکات به عنوان پشتوانه مالی برنامه‌های اقتصادی، در اصلاح ساختار جامعه اسلامی و تطهیر زندگی سعادتمندان، تزکیه نفوس بشریت و تألیف قلوب انسان‌ها، نقش بسزایی را ایفاء می‌نماید. یکی از وظایف حکومت اسلامی و مردم در حقوق شهروندی، رسیدگی به

مستمندان در پرتو پرداخت زکات است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «الذین ان مکنانهم فی الارض أقاموا الصلوة و أتوا الزکاة؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند» (حج، ۴۱). تعابیر زیبا و عبرت آموزی در رابطه با نتیجه عمل به این واجب الهی در آموزه‌های قرآنی از قبیل حفاظت از فرد و جامعه، زمینه ساز نزول رحمت و برکات الهی، موجب وسعت عمر و گشایش در امورات زندگی، معامله با خداوند و ... وجود دارد که با عمل به آن، جامعه اقتصادی پویایی را شاهد خواهیم بود.

علاوه بر آن، در جایی دیگر آمده است: «الذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم»؛ بی شک، در بین جامعه، افراد نیازمندی وجود دارند که یا توان تلاش و کوشش ندارند یا اینکه درآمد کار آنها، تمام مخارج و هزینه‌های آنها را تأمین نمی‌کند؛ در بینش اسلامی کلیه افراد، بندگان خداوند هستند و تمام ثروت‌ها متعلق به خداوند است. از این دو آیه استفاده می‌شود که سائل و محروم، حقی در اموال جامعه اسلامی دارند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲).

زکات در اصطلاح شرعی، به معنای وجوب پرداخت اندازه معینی از برخی اموال است، که به حد نصابی خاص رسیده باشد. علت اینکه این واجب، زکات نامیده شده، امید به برکت یافتن مال، یا برای پاکیزه کردن نفس انسان است (قریب، ۱۳۶۶، ج ۱، باب زکوة). زکات از مهم‌ترین و اصلی‌ترین برنامه‌های اقتصادی در اسلام است. این کلید واژه به همراه مشتقاتش در قرآن کریم ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه بیان شده است، که ۲۷ مورد آن با نماز آمده است.

ب. خمس

خمس یکی از منابع مالی حکومت اسلامی است که خداوند متعال جهت جلوگیری از اختلاف طبقاتی و تعادل در وضعیت معیشتی در جامعه اسلامی و فقر زدایی در اجتماع، در کنار دیگر منابع مالی، آن را تشریح نموده و پرداخت آن به عنوان تکلیف الهی بر مسلمانان واجب شمرده شده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ ...» (انفال، ۴۱). بر همین مبنا، بسیاری از فقهای شیعه و سنی، آن را به عنوان یکی از ضروریات دین قلمداد نموده‌اند. صاحب جواهر می‌گوید: خمس حق مالی است که خداوند، مالک حقیقی هستی، بر بندگان واجب نموده است که در راه خودش و بنی‌هاشم مصرف گردد؛ به دلیل اینکه ایشان پیشوایان مردم و دارای برتری و نیکویی هستند و به واسطه اکرام ایشان و منع از صدقه و زکات، خمس را برایشان معین نمود (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۲).

• خمس در قرآن

کتاب مسلمانان یعنی قرآن، تنها یک بار نام خمس را در سوره مبارکه انفال ذکر می‌نماید: بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست (انفال، ۴۱).

در «تفسیر المنار»، غنیمت اعم از غنائم جنگی ذکر شده است؛ رشید رضا بعد از ذکر این معنا می‌نویسد که معنای آیه که اعم و وسیع‌تر از غنائم جنگی و غیر آن است، به خاطر قید شرعی، مقید به غنائم جنگی شد (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۱۰، ص ۷-۳). آلوسی در تفسیر «روح المعانی» نیز به مانند دیگران می‌نویسد که غنیمت در اصل به معنای هرگونه سود و منفعت است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲).

از مجموعه نظرات علماء فریقین به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که مفسرین اهل سنت با اینکه صراحتاً «غنمتم» را در آیه شریفه به معنای هر گونه فایده‌ای که برای انسان حاصل می‌گردد می‌دانند؛ ولی اصطلاحاً به معنی غنیمت جنگی در آیه منحصر می‌کنند. در صورتی که مفسرین و علمای امامیه، خمس را از هر طریق که فایده‌ای برای انسان حاصل گردد اطلاق می‌نمایند. در این تفاوت حکم، اتفاقات مهمی در نظام اقتصادی اسلام موجب می‌گردد که اهم آن، حرمان آحادی از مردم نیازمند، از دستیابی به حقتشان در تأمین اجتماعی موجب خواهد شد. در حکومت اسلامی بر مبنای پذیرفتن خمس بر هر گونه فایده و درآمد، شاهد کاهش فاصله طبقاتی و فقر زدایی در گروهی از جامعه هدف، خواهیم بود. در این عقیده، فقرا و نیازمندان سادات از اولاد حضرت رسول (ص) که توانایی کار و فعالیت ندارند و کارافتاده شده‌اند، به صورت خاص تحت پوشش و حمایت مالی قرار خواهند گرفت.

ج. ارث

از دیدگاه اسلام، یکی دیگر از حقوقی که قرآن کریم به آن تصریح نموده و به صورت دقیق سهم هر ذی‌نفعی را منظور نموده است، ارث است. در حکومت اسلامی با توجه به نص قرآن کریم به این مصداق بارز حقوق شهرندی، توجه خاص شده است و در کتب-های فقهی نیز باب خاصی را برای این حکم الهی باز نموده‌اند. ارث از ریشه «ورث» به معنای آثار باقی مانده از شیء، یعنی «ورث، الایراث، الابقاء للشیء». یورث، آی: بقی میراثا» (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۲۳۴) اطلاق می‌شود و آن باقی اموالی است که به دیگران می‌رسد: «وَهُوَ الْبَاقِي الدَّائِمُ الَّذِي يَرِثُ الْخَلَائِقَ، وَيَبْقَى بَعْدَ فَنَائِهِمْ» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۹۹).

نظام ارث و احکام شرع مقدس در این زمینه نیز مانند همه موضوعات دینی، بسیار دقیق، عالی و فراتر از فهم بشری است. در دنیای قدیم و نظام‌های سابق، یا زن اصلاً حق ارث نداشت، یا اگر هم از ارث برخوردار بود، به او استقلال اقتصادی داده نمی‌شد. در عرب جاهلیت نیز به علل مختلف به زن ارثی تعلق نمی‌گرفت؛ بلکه زن جزء ارثیه به حساب می‌آمد. تا اینکه اسلام ظهور کرد و به یک‌باره فرمود: «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختی» (نساء، ۷).
تشریح احکام ارث، از طرف پروردگار، برخاسته از علم و حکمت او است و در این تقسیم، تمامی جوانب در نظر گرفته شده است که کاملاً با عقل، منطق و فطرت انسان سازگار است؛ زیرا او خالق انسان است و بر همه چیز محیط است. بنابراین، بهترین و کامل‌ترین تقسیم را از روی علم و حکمت تدبیر نموده است.

د. دیات

«دیات» جمع «دیه» به مقدار مالی که واجب است در برابر آسیب رساندن پرداخت گردد، گفته می‌شود؛ خواه مقدار آن مشخص و معین باشد یا نباشد. چه بسا جرایمی را که مقدارش معین نیست، «ارش» و «حکومت» و جرایمی را که مقدارش معین است، «دیه» می‌نامند (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۵۳). نجفی جواهری نیز، دیه را مال معینی می‌داند که به واسطه جنایت بر جان و اعضاء، یا منافع انسانی آزاد، وارد شده است، بر باعث آن، واجب می‌شود (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۴۳، ص ۲).

یکی از فلسفه‌های وجودی پرداخت دیه، تأمین مالی زندگی فردی که مورد آسیب و جنایت قرار گرفته است، می‌باشد؛ زیرا مشروع برای جلوگیری از آسیب در معیشت فرد و خانواده وی، بر خود فرض دانسته است که در این مورد، حمایت حقوقی را در نظر گیرد و این از الطاف خداوند محسوب می‌گردد که در نظام اقتصادی اسلام، جهت آرامش زندگی افراد تحت حمایت حکومت اسلامی و جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی احتمالی، این موضوع را تشریح نموده است. با توجه به اهمیت موضوع، فقها در فقه، بابتی مستقل به همین نام منعقد کرده‌اند و به تفصیل درباره مسائل و احکام آن سخن گفته‌اند و مقدار دیه انسان و تک تک اعضاء و منافع آن را به طور دقیق بیان نموده‌اند، که در هیچ نظام اقتصادی و حکومتی، چنین توجهی نشده است.

مصادیق تولید

اهمیت و عظمت کار و تلاش را می‌توان از استناد کار به خداوند آموخت. قرآن کریم می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری است!» (الرحمن، ۲۹). بنابراین، چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد، بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می‌کند. از سخنان مفسرین برداشت می‌گردد که انسان می‌بایست، همچون معبود خود دائم در تلاش و کوشش باشد و نوآوری را سرلوحه کار خویش قرار دهد و به یکی از صفات خداوند که بی‌نیازی است، به واسطه کار و تولید دست یابد، تا محتاج و نیازمند هم‌نوع خود نگردد.

• کشاورزی

یکی از ارکان مهم در نظام اقتصادی، توسعه کشاورزی در تمام زمینه‌های آن است. این توسعه در رابطه با اقتدار، عظمت و سربلندی حکومت اسلامی نقش مهمی را ایفاء می‌نماید. به طوری که موجب فراهم آمدن زمینه کار و تولید می‌شود و در نهایت، کاهش فقر را به دنبال خواهد داشت. جدا از آن، نه تنها زندگی فردی، بلکه زندگی اجتماعی به تولیدات و محصولات کشاورزی وابسته است. پروردگار متعال در آیه شریفه ذیل، خود را اولین کشاورز معرفی می‌نماید؛ که از آب و زمین، بهترین ثمرات را برای بشر استحصال می‌نماید و از این آیه مبارکه، ارزش و اهمیت زراعت و کشاورزی را استنباط می‌نماییم: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ... و اوست که از آسمان، آبی فرو فرستاد و بدان هر گونه گیاه بر آوردیم، و از آن جوانه سبز رویاندیم و از آن دانه‌های

در هم رسته بیرون آوردیم، و از شکوفه خرما؛ خوشه‌های دسترس و باغ‌های انگور و (درختان) زیتون و انار (پدید آوردیم) که همانند و ناهمانند هستند؛ به میوه‌های آن چون میوه دهد و برسد بنگرید؛ در این برای اهل ایمان، مایه‌های عبرت است» (انعام، ۹۲).

خداوند، کشاورزی را عامل قوام جامعه بشری و حکومت می‌داند؛ زیرا کشاورزی، مهم‌ترین منبع تأمین غذای انسان و برطرف‌کننده نیازهای تغذیه‌ای اوست. بنابراین، نقش اقتصادی آن بر کسی پوشیده نیست. خداوند در آیاتی بیان می‌دارد: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَىٰ ...؛ مگر نمی‌بینند که ما این آب را به زمین بایر می‌رانیم و با آن روئیدنی پدید می‌آوریم، که حیواناتشان و خودشان نیز از آن می‌خورند، چرا نمی‌بینند؟» (سجده، ۲۷). این آیه، یکی دیگر از آیات خدای سبحان را تذکر می‌دهد که بر حسن تدبیر او نسبت به موجودات و مخصوصاً موجودات زنده از قبیل چارپایان و انسان دلالت می‌کند و مراد از سوق آب به سوی زمین خالی از گیاه، راندن ابرهای حامل باران به سوی آن سرزمین است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۴۰۱).

کشاورزی عامل مهمی در جهت رشد صنعت و اشتغال‌زایی نیز محسوب می‌گردد. بالاخص در دوره مدرنیته که با توجه به رشد جمعیت و نیاز به محصولات برتر و با کیفیت احساس می‌شود، می‌بایست از تمام ظرفیت‌های نخبگان جهت صنعتی شدن این بخش، بهره‌برداری کرد. در صورتی که به این مصداق حقوق شهروندی توجه ویژه گردد، شاهد جذب حداکثری جوانان جامعه خواهیم بود و با خودکفایی در این حوزه، به حقیقت آیه شریفه «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» دست پیدا خواهیم کرد؛ زیرا تمام کشورها نیازمند این تولید حداکثری در این بخش هستند و عدم توجه به آن، وابستگی اقتصادی را به کشورهای دیگر به دنبال خواهد داشت و به تبع آن، وابستگی فرهنگی را که خواسته دول شرق و غرب است، را شاهد خواهیم بود.

• دامپروری

یکی از مصداق تولید که نقش مهمی در خودکفایی کشور اسلامی ایفاء می‌نماید، صنعت دامپروری و فرآورده‌های آن است. بی‌توجهی به این مصداق، از طرف مردم جامعه و حکومت اسلامی می‌تواند، صدمات جبران‌ناپذیری را به نظام اقتصادی وارد آورد و در صورت توجه و احیای آن در جامعه، شاهد کاهش نرخ بیکاری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی خواهیم بود.

خداوند نیز در آیات بسیاری از قرآن، مردم را به پرورش دام دعوت می‌کند: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ...؛ و چهارپایان را خلق کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای مأكول می‌سازید» (نحل، ۵-۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۱۰).

ابراهیم خلیل الرحمان علی نبینا و آله علیه‌السلام، با ساره دختر خاله‌اش ازدواج کرد. او که زنی ثروتمند و صاحب گوسفندان فراوان بود، همه آنها را در اختیار ابراهیم (ع) قرار داد و او با سر و سامان دادن به آنها و حسن نگهداری، مال و منال فراوان به دست آورد و در شهر کوئا، وضع هیچ‌کس بهتر از او نبود (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۶). دامپروری جدای از کشاورزی نیست و در امتداد آن تحقق پیدا می‌نماید. توسعه و گسترش این بُعد از اقتصاد، نقش ویژه‌ای در پیشرفت جامعه اسلامی را دارا است و از نظر نظام اقتصادی اسلام، دارای رتبه بالایی است و می‌بایست توسط مدیران حکومتی تقویت و پشتیبانی گردد. با مروری به سرگذشت و زندگی انبیاء و اولیای الهی در این موضوع، اتفاق نظر و اجماع وجود دارد که کشاورزی و دامپروری شغل انبیاء بوده و توجه به این دو مصداق، از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به طوری که احادیث و روایات متعددی در رابطه با این دو امر مهم در نظام اقتصادی وارد شده است.

• صنعت

نوع انسان در بقای خود نیازمند به آلات و ابزار است که در اثر صنعت پدید می‌آید و صنعت، نیازمند علم و فن مخصوص است، که از راه تمرین و تجارب به دست می‌آید و تمرین و تجارب نیز، تدریجی و نیازمند به مرور زمان است. یکی از فواید بعثت انبیاء، تعلیم صنایع و فنونی است که بر بشر پوشیده است؛ چنان که خداوند به نوح (ع)، صنعت کشتی‌سازی و به داوود (ع) صنعت زره‌بافی را آموخت و آنان نیز آن را به بشر آموختند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۳). خداوند در قرآن کریم به موارد مختلفی از تولیدات صنعتی اشاره می‌فرماید که نحوه استفاده نمودن آنها را به پیامبران، جهت توسعه اقتصادی، امنیتی و حفاظتی تعلیم می‌دهد، که به بررسی تعدادی از آنها می‌پردازیم.

✓ ساخت آهن و تهیه زره

در تمامی کارخانه‌های صنعتی دنیا مشاهده می‌نماییم که آهن و فرآورده‌های آن، حتی در ساخت خود محیط کارخانه، وجودش ضروری است. بنابراین، آهن در تولید، نقش اساسی را برعهده دارد و در آیه شریفه «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» (حدید، ۲۵)؛ به خوبی می‌توان «وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» را درک نمود.

آلات جنگ از آهن ساخته می‌شود و آهن منافع زیادی برای مردم دارد. از جمله این منافع در سخن خداوند است که می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ؛ و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم» (انبیاء، ۸). «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است» (حدید، ۲۵). کلمه «بأس» به معنای تأثیر شدید است؛ لیکن غالباً به شدت، در دفاع و جنگ استعمال می‌شود و بدین جهت فرموده، در آهن باسی شدید است؛ به این دلیل که به طور مدام در جنگ‌ها، مقاتلات و انواع دفاع‌ها نیاز به آهن وجود داشته است؛ چون اقسام سلاح‌هایی که گذشتگان درست می‌کرده‌اند از آهن بوده است و بشر از دیر باز به این فلز دست یافته، متوجه منافعش شده و آن را استخراج کرده است. اما منافع دیگری که این فلز برای مردم دارد، احتیاج به بیان ندارد، چون می‌بینیم که آهن در تمامی شعب زندگی و صنایع مربوط به آنها دخالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۹، ص ۳۰۲).

✓ کشتی‌سازی

صنعت کشتی‌سازی، همچون صنعت خودروسازی، جزء صنایع مادر شناخته می‌شود و هرگونه پیشرفت در این صنعت می‌تواند همزمان صنایع وابسته در کشور از قبیل صنعت فولاد، ساخت تجهیزات، ماشین‌آلات و سازندگان قطعات را فعال کند و ضمن ایجاد اشتغال، زمینه‌ساز پیشرفت و ورود تکنولوژی‌های نوین در صنایع دریایی شود؛ از این رو انتظار می‌رود توجه بیشتری به این بخش شود. منعم حقیقی کشتی به انسان، خداست، چون خدای تعالی به انسان‌ها الهام کرد چگونه کشتی بسازند و اینکه چه منافع و آثاری مترتب بر این صنعت هست، و نیز راه استفاده از منافع بسیار آن را، او الهام فرمود (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۹، ص ۱۶۸). «[نوح] کشتی را

می ساخت و هر بار که اشرافی از قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. حضرت نوح به آنها می گفت اگر ما را مسخره می کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد» (هود، ۳۷-۳۸).

صنعت کشتی سازی از اشتغال زائی بسیار بالایی برخوردار است و راه اندازی و تقویت آن باعث کاهش نرخ بیکاری و ایجاد رشد اقتصادی می گردد. کشتی سازی صنعتی استراتژیک است و صنعت کشتی سازی، موتور محرک صنعت کشور به شمار می آید. به دیگر سخن می توان بیان داشت، که کشتی سازی می تواند موتور محرک صنایع داخلی هر کشور گردد. به جز از درآمد صنعت کشتی سازی می توان به صنعت ماهیگیری، ساخت بنادر، صنایع شیلات، تعمیرات کشتی ها و شناورها را بیان نمود که در راستای آن، اقتصاد کشور به حد مطلوب رسید. کارخانه فولاد جهت تولید ورق، کارخانه رنگ سازی و سایر کارخانه هایی که دستگاه های مورد نیاز جهت ساخت کشتی را مورد بهره برداری قرار می دهند، استخراج معادن جهت تهیه مواد اولیه و...، اشتغال زایی را به نحو حیرت انگیزی افزایش می دهند. کشتی سازی نقش مهمی در توسعه صنعتی و اقتصادی هر کشور ایفا می کند و زمینه ای برای رشد صنایع گوناگون است. نمونه های بارز این امر، ژاپن و کره جنوبی هستند که رشد صنعتی خود را براساس صنعت کشتی سازی پایه گذاری کردند. صنعت کشتی سازی توسعه صنعتی همچون استحصال منابع اولیه جهت ساخت کشتی از معادن، اسکله سازی و صنایع دیگر را نیز به دنبال خواهد داشت. در دنیای امروز، کشورهای پیشرفته درآمد خود را از این صنایع حیاتی به دست می آورند. بازارچه های مرزی یکی دیگر از منابع درآمد به واسطه حضور کشتی ها در ساحل کشورهاست که همه از یمن صنعت کشتی سازی است. ورود هر کشوری در این عرصه، موجب جذب سرمایه های داخلی و خارجی و به کارگیری جوانان نخبه خواهد بود.

یکی از درس ها و پیام های مهم که از آیه شریفه دریافت می شود این است، که خداوند می فرماید «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا؛ و به ساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و به دستور ما مشغول شو». یعنی باید ساخت کشتی، یا هر صنعت دیگری، زیر نظر یک نخبه و استاد به تمام معنا صورت پذیرد و اینجا کارفرما و مدیر خداوند است که به تمام موارد ساخت توانا است و این مهم در آیه های دیگر نیز، در مورد ساخت وسایل ارزنده، تأکید شده است. ابتکارات و اختراعات صنعتی بشر، از الهامات الهی است. توجه به حضور خداوند، به انسان نشاط و دلگرمی می دهد و او را در برابر ناگواری ها مقاوم می کند. مطلب دوم، شخص سازنده و کارگر باید به مدیر، ایمان قلبی داشته باشد و طبق نظر او صنعت خود را در تمام مراحل به پایان برساند و از تبلیغات سوء و مسموم، دلنگران نشود و با قوت، کار خود را استمرار دهد. به مصداق آیه «وَكَلِّمًا مَّرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» (هود، ۳۷-۳۸)، به خاطر فشار و حرف مردم، از اصلاحات و زمینه سازی برای آیندگان غفلت نکنیم.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف به دست آوردن مصادیق حقوق شهروندی در امور اقتصادی از منظر قرآن کریم و اینکه آیا این مصادیق می تواند، حقوق اقشار مردم در سراسر جهان هستی را تأمین نماید یا خیر؛ انجام پذیرفت و نتایج زیر حاصل شد.

۱- این مصادیق، به آحاد اجتماع و بشریت کمک می کند تا در مسیر اهداف آفرینش و سعادت دنیا و آخرت گام بردارد.

۲- با نگاهی ژرف به آیات قرآن کریم در اصول اساسی اقتصاد اسلامی و مصادیق آن، می توان دریافت که این نظریات در همه ابعاد و زمینه ها از منابع ثروت، تولید، توزیع و مبادلات و نیز مصرف، تسری دارد. پیامبر گرامی اسلام (ص)، با به کارگیری این آموزه های سراسر نور، جهت بر پایی حکومت عدل الهی و مدینه فاضله اقدام نمود و اثبات گردید که در سراسر گیتی و در طول اعصار، بشر می تواند به تنها دینی که سعادت دنیوی و اخروی را تأمین نماید، تکیه کند.

۳- می توان به وسیله این مصادیق، به اهدافی همچون استقلال اقتصادی: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء، ۴-۱۴۱)؛ حفظ حاکمیت و اقتدار سیاسی اسلام: «واعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال، ۸-۶۰)؛ تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف، ۷-۳۲)؛ رشد توسعه جامع اقتصادی: «انما الصدقات للفقراء و المساكين و... و الغارمين و فی سبيل الله» (توبه، ۹-۶)؛ عدالت اقتصادی «يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط؛ ای کسانی که ایمان آورده اید عدالت را بر پا دارید (نساء، ۱۳۵) و «ان الله يامر بالعدل و الاحسان؛ خداوند به عمل به عدالت و نیکی کردن فرمان می دهد» (نحل، ۹۰)، دست یافت.

۴- الگوها و مصادیقی که قرآن کریم، در رابطه با مسائل اقتصادی ارائه می دهد و در این پژوهش آمده است، می تواند جامعه را از بحران های اقتصادی برهاند و به سمت کمال، رهنمون سازد.

۵- این مصادیق از طرف کسی تدوین و تشریح گردیده، که خالق انسان است و با فطرت بشری و به حقوق جامعه، اشرافیت کامل دارد؛ زیرا او قدرت مطلق است. بنابراین، حقوقی که بر مبنای آموزه های دینی و قرآنی مطرح می گردد، به واسطه وصل به سرچشمه وحی، می تواند جامعه بشریت را در تمامی زمان ها -به واسطه جهان شمول بودن- به مرتبه کمال برساند.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *تفسیر روح المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱۰.
- ابن منظور، محمد بن کرام (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *انتظار بشر از دین*. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ج ۱.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۱۲.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱). *مبانی اقتصاد اسلامی*. قم: نشر مهر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات*. بیروت: دارالعلم، ج ۱.
- رشید رضا، محمد (۱۹۹۰م). *تفسیر المنار*. مصر: هیئة المصریة العامّة للکتاب، ج ۱۰.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۶، ۲، ۱۶، ۱۲، ۱۹.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۳.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ق). *کتاب العین*. قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۸.
- قریب، محمد (۱۳۶۶). *تبیین اللغات لتبیان الایات*. تهران: نشر بنیاد، ج ۱.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). *قصص الانبیاء*. مشهد: بی نا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *ربا و بانکداری اسلامی*. قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۱۶.
- نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴۳.